هو الله - ای منادی ميثاق مکاتيب متعدّده شما رسيد ولی فرصت جواب حاصل نشد لهذا به عهده تعويق افتاد.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٣٩١

### هو الله

ای منادی ميثاق مکاتيب متعدّده شما رسيد ولی فرصت جواب حاصل نشد لهذا به عهده تعويق افتاد. اگر بدانی که مشغوليّت عبدالبهآء به چه درجه است البتّه معذور داريد. و از اين گذشته مدّتی مديده بود که عوارض شديده بر اين جسم نحيف طارئ و مانع از تحرير بود لهذا تقصير حاصل. حال الحمد للّه به دعای احبّا در عتبه نوراء آثار شفا ظاهر گشته لهذا به تحرير مشغول گشتم.

از استيلای مرض وبا و شدّت ابتلا و عدم انتباه جهلا مرقوم نموده بوديد. در قرآن می‌فرمايد و لقد اخذناهم بالعذاب الأدنی دون العذاب الأکبر لعلّهم يرجعون. اين عذاب ادنی طاعون و وباست ولی انتباه کجاست ذرهم فی خوضهم يلعبون.

ديگر از فوت ثابت بر ميثاق آقا ملّا احمد علی مرقوم نموده بوديد. خبر رسيد و انشآءاللّه آنچه بايد و شايد مجری می‌گردد. امّا در خصوص استيذان حضور به جهت جناب آقا محمّد حسن و جناب آقا اسداللّه و جناب آقا محمّد و جناب آقا عبدالحسين پسر آقا اسداللّه نموده بوديد مأذون حضورند زيرا صدمات شديد در سبيل حقّ تحمّل نمودند. اميدوارم که احبّای الهی در صون حمايت جمال قدم محفوظ و مصون مانند اگرچه در اين موارد چنانچه در قرآن می‌فرمايد لا يصيبنّ الّذين ظلموا منکم خاصّة هست. با وجود اين يقين است بر احبّا خفيف می‌گذرد چنانکه در مدّت بيست و پنج سال که جمال قدم در عکّا بودند ناخوشی به کرّات مستولی بر اين اقليم شد و تا دروازه عکّا آمد و برگشت و جميع اهالی عکّا از جميع ملل شهادت بر اين می‌دهند. و به محض صعود اين مرض مستولی بر عکّا شد و اين عبد با منتسبين در خارج بود، چون اکثر احبّا در قلعه بودند تا با ياران همحال باشيم جميع منتسبين را برداشته به داخل قلعه آمديم. ما داخل می‌شديم و مردم ذکوراً و اناثاً کبيراً و صغيراً به خارج فرار می‌نمودند. مع‌ذلک الحمد للّه نفسی از احبّا معرض مرض وبا نگشت، کلّ رجالاً و نساءً کبيراً و صغيراً محفوظ و مصون ماندند و عليک التّحيّة و الثّنآء. ع ع